

بروزتهاجم روسیه به ایران در شعر فارسی

■ **محمدطاهری خسروشاهی**

در پی جدایی شهرهای ایران در آن سوی ارس، اگرچه شاعران قاجار با پی‌ریزی ادبیات ضداشغالگری در برابر اشغال قفقاز به واکنش برخاستند، ولی اعتراض به تجاوز روس برخاک ایران، رشته‌ای دراز به بلندای تاریخ جنگ‌های ایران وروس ازسده چهارم هجری دارد.

براساس قرائن تاریخی یکی از نخستین تاخت و تازهای روس علیه ایران سال ۳۳۲هجری قمری به شهر بردعه صورت گرفته که مقارن است با دومین سال سلطنت نوح‌بن نصربن‌احمدبن اسمعیل سامانی معروف به امیراحمد که خوشبختانه درباره این هجوم که ظاهرا چهارمین هجوم روس‌ها به خاک ایران است، اسناد مهم و متعددی وجود دارد که می‌توان از الکامل فی‌التاریخ ابن‌اثیر و زبده‌التواریخ حافظ ابرو نام برد.

نظامی گنجوی

شرحی راجع به تاخت و تاز روس‌ها به شهر بردعه قفقاز در منظومه «لسکندرنامه» نظامی گنجوی است که باید از آن به عنوان نخستین بازتاب جنگ‌های روس با ایران در شعر فارسی یاد کرد. دفاع سربازان دلیرایران بویژه مردم میهن دوست قفقاز از حریم کشورمان دراین سروده، روایتی از نخستین ابیات شعر پایداری ایران زمین است.

دوالی که سالار ابخاز بود

به نیروی شه گردن افراز بود
که فریاد شاها زبیداد روس
که از مهد ابخاز بستد عروس
ستیزنده روسی ز آلان وارگ
شیبخون درآورد همچون تگرگ
همه شهر و کشور به هم برزدند
ده و دوده را آتش اندر زدند
ببینی که روسی در این روز چند
به روم‌وبه ارمن رساند گزند
ستاندند کشور گشایند شهر
که خامان خلقندودونان دهر
همه رهنانند چون گرگ و شیر
به خوان نادلیرندوبر خون دلیر

ز روسی نجوید کسی مردمی

که جز گوهری نیستش ز آدمی
بشورید شاهنشه از گفت او

ز روسی بسی خون و خون ریختند

گرفتند و کشتند و آویختند
(کلیات نظامی گنجوی، ج ۲، صص ۱۱۴۷ - ۱۱۱۷)

خاقانی شروانی

هجوم ویرانگر روس‌ها، براساس منابع تاریخی در سال ۵۷۰ یا ۵۷۱ هجری قمری و در شهر تاریخی شروان اتفاق افتاده که مقارن باسلطنت شیروانشاه ابواسحاق ابراهیم اخسِتّان اول (پسر ابوالمظفر منوچهر) بوده است. ظاهراً در باب این هجوم، عجالتاً یکتاسندمستقیمی که در دست‌است و صراحتاً این مساله را ذکر می‌کند، ۲ قصیده از خاقانی است.

نکته جالب‌در نوشته‌های تاریخی این‌است که گویاخاقانی خوددر میدان جنگ باروس حضور داشته است. البته توصیفات دقیق و تصویرسازی شاعر از صحنه‌های رزم، این نظر را تأیید می‌کند.

صبح است کمانکش اختران را

آتش زده آب پیکران را...

در گردن گردنان خزران

افکنده کمند خیزران را

باکو،به‌بقاش،باچ‌خواهد

خزران و نَی و زره‌گران را
شمشیرش از آسمان مدد یافت

فتح دربند و شابران را

صاحب غرضند روس و خَزران

منکر شده صاحب افسران را

فتح توبه جنگ لشکرروس

تاریخ شد آسمان قِران را

رایات تو روس را علی روس

صرصر شده ساقِ ضیمران را

در زَهره روس رانده زَهرآب

کانداخته یَغلق پِران را

یک سهم تو خضر وار بشکافت

هفتاد و سه کشتی، ابتران را...

(دیوان خاقانی، ج ۱، ص ۴۸)

جنگ‌های روس با ایران در شعر عصر قاجار

روابط دشمنانه روس با ایران و نقطه اوج تجاوزات این کشور به خاک میهن ما، در عصر قاجار بوده است.

با ورود شاعران قاجار به صحنه جنگ‌های روس با ایران و ارائه تصویری روشن از وضعیت کشور، معلوم شد سبک بازگشت و شکل‌های ادبی و طرز بیان آن پاسخگوی برازنده نیازمندی‌های فرهنگی و ادبی زمان نیست و این‌گونه است که باید سرآغاز و طلیعه تجدد در شعر فارسی را در بازتاب جنگ‌های روس و ایران در شعر عصر قاجار جستجو کرد.

قائم‌مقام فراهانی

یکی از چهره‌های شاخص و به‌بیانی شاخص‌ترین چهره ادبی عصر قاجار که در پی‌ریزی ادبیات



قلعه دربند، یکی از نقاط مرزی

ضداشغالگری و بازتاب جنگ‌های روس با ایران در شعر، نقش بی‌بدیلی داشته، میرزا ابوالقاسم قائم‌مقام فراهانی است. قائم مقام فراهانی از نزدیک در میادین نبرد با روس حضور می‌یافت و در جریان جزئیات امور جنگ بود. بنابراین دیوان شعر او مهم‌ترین منبع منظوم برای آگاهی از مسائل جنگ‌های روس با ایران است. نقش بی‌بدیل او در جنگ‌های روس با ایران به قدری مهم و ممتاز است که اغلب نویسندگان انگلیسی و برخی جاسوسان این کشور نتوانسته‌اند بغض خود را از او کتمان کنند.

قائم‌مقام فراهانی یکی از دلایل شکست ایران از قوای نظامی روس را حضور نیروهای بزدل و وابسته به قدرت‌های خارجی در میان رجال ایرانی می‌دانست.

روزگار است این‌که گه عزّت دهد گه خوار دارد

چرخ بازیگر از این بازیچه‌ها بسیار دارد

مهر اگر آرد بسی بی‌جا و بی‌هنگام آرد

قهر اگر دارد بسی ناساز و ناهنجار دارد

که به خود چون زرق کیشان تهمت اسلام بندد

گه چو رهبان و کشیشان جانب کفار دارد

گه نظر با پلکنیک و با کپیتان و افسر

گاه با سرهنگ و با سرتیپ و با سردار دارد

لشکری را گه به کام گرگ مردم‌خوار خواهد

کشوری را گه به دست مرد مردمدار دارد

گه به تبریز از پطربورغ اسپهی غلاب راند

گه کروری چند از اینجا برهیونان بار دارد

هر چه زین اطوار دارد عاقبت چون نیک‌بینی

بر مراد چاکران خسرو قاجار دارد

(دیوان - ص ۷۳)

فتحعلی‌خان صبا

فتحعلی‌خان صبا یکی از معروف‌ترین و به‌بیانی بزرگ‌ترین شاعر دوره جنگ‌های روس با ایران است. او از جمله شاعرانی است که ضمن تقرب به دستگاه دیوانی فتحعلی‌شاه در دوره جنگ‌های روس با ایران در اغلب مسافرت‌های پادشاه از جمله سفرهای مختلف به آذربایجان و بازدید از مناطق جنگی همراه او بود.

مهم‌ترین حادثه‌ای که باید پیرامون زندگی شعری صبا و جنگ‌های روس با ایران گفت، دستور ویژه فتحعلی‌شاه به او مبنی بر به نظم کشیدن تاریخ جنگ‌های روس با ایران و روایت منظوم این حادثه است که در منظومه شهنشاهنامه تدوین شد.

چو اشپخدر آن دیو پر خاشخو

شد آگاه در «گنجه» از رأی او

تنش گشت لرزان و لب پرفسوس

شدش بَستَین چهر چون سندروس

گزیدی لب خویش هر دم به گاز

می گرفتند.

حکیم هیدجی تسلیم در برابر تجاوزات لشکر روس را خواری و حقارت می‌بیند و معتقد است چیزی بدتر از این برای یک مسلمان نیست که در مقابل عده‌ای «روسی و فرنگی نصاری» تسلیم شده اظهار بندگی نماید.

شعر حکیم هیدجی درباره جنگ‌های روس با ایران، عمدتاً در حوزه شعراعتراض آمیز گویندگانی است که «شعر حسرت» درباره سرزمین‌های قفقازی را پدید آوردند و از بی‌لیاقتی شاهان قاجار ناله‌ها کردند.

چه بد روزگار است این روزگار

که دورند مردم ز ناموس و عار

به خواری و خردی همه اندرند

زروس و فرنگی زبونی برند

کند بر نصاری پرستندگی

مسلمان! چه بدتر از این زندگی

کجا می‌برد مرد این درد را

چنین دردها می‌کشد مرد را

روا نیست آیا فرنگی و روس

بگیرند این قوم را برفسوس

اگر من کنم درد خود آشکار

کند گریه بر روز من روزگار...

سزد گر کشم آه و آرم فسوس

بر ایران که ویران شد از دست روس

دل از زندگی سیر و جان شد ستوه

خدا بر کند ریشه این گروه

کجایند شاهان باطل و کوس

که خواهند این کین ایران زروس
(مثنوی دانشنامه، ۱۴۷ - ۸۵)

اهمیت کار شاعرانی که در مقابل تجاوزات روسیه تزاری به واکنش پرداختند زمانی مشخص می‌شود که بدانیم فرهنگ و ادب ایران در اوان دوره قاجار به‌ابتدال گراییده بود و حتی با پدید آمدن سبک بازگشت ادبی، آخرین نفس‌های حیات خود را در جدایی از مردم و جامعه می‌کشید. وقوع جنگ‌های روس با ایران، ادبیات فارسی را به تجربه‌ای جدید از ورود به ساحت مطالعات اجتماعی و سیاسی و واکنش در مقابل حوادث عصر جدید واداشت.

البته در کنار شعر، متون منثور این دوره نیز لبریز از واکنش‌هادر برابر جریان جنگ‌های روس با ایران است. نویسندگان این دوره، نثر آمیخته‌به شعر را به عنوان اسلوبی برای انعکاس رویدادهای عصر خود به کار گرفتند. کسانی چون عبدالرزاق مفتون دنبلی، میرزا محمدصادق وقایع‌نگار، تقی‌علی آبادی و رضاقلی‌خان هدایت از جمله این نویسندگان هستند.

بازتاب جنگ‌های روس با ایران در آثار شاعران فارسی‌گوی منحصر نماند و به شعر سرایندگان ترکی زبان و نیز تازی‌گوی راه یافت. در راس گویندگان عربی باید از ملامهرعلی زنوزی فدوی نام برد که قصاید پر طمراقی در مدح سربازان شجاع ایرانی و مبارز سروده است. از شاعران ترکی گوی هم باید به نام عبدالرحمن دیلباز اوغلو اشاره کرد که خود شاهد هجوم روس به ایران بوده و از دوستان نزدیک شهید جوادخان گنج‌آه‌ای اولین مجاهد شهید جنگ‌هابه شمار می‌رود.

دامنه انعکاس جنگ‌های روس با ایران در شعر ایران زمین در محدوده شعر قاجار باقی نماند و هم‌اینک در بسیاری از محافل ادبی شعر معاصر کشورمان، آثار ارزشمندی در قالب شعر حسرت سرزمین‌های قفقازی سروده می‌شود. شعر حسرت، میراث پدران ماست. در آینه این شعر سیمای رنج کشیده گذشتگانی را می‌توان دید که آمال و آرزویشان بازگشت به اصل خویشتن و پیوستن به خاک ایران است. البته شعر ضداشغالگری حسرت سرزمین‌های قفقازی در قلمروی زمین و زمان نماند و گویندگان هر دو سوی امواج خروشان ارس را به طغیان علیه استبداد و استعمار واداشت. هم‌اینک، آوای خواهش خاک در پیوستن به آغوش مام میهن از کرانه‌های آن سوی ارس فراگوش می‌آید.